

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۶، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۵۶۹ تا ۶۰۰

## بررسی تطبیقی امکان انجام فعالیت‌های تجاری در قالب شرکت تعاونی با تکیه بر رویکردهای اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA)

محمد ساردویی نسب

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران

(Email: sardoeinasab@ut.ac.ir)

شاهین آقامحمدی\*

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۳۰)

### چکیده

طبیعت اقتصاد تعاونی با توجه به اصول و ارزش‌های آن به‌گونه‌ای است که با سوداگری منافات دارد، اما آنچه که بیش از هر چیز محل اشتباه قرار می‌گیرد، این است که فلسفه غیرانتفاع مداری (سوداگری) اغلب با رویکرد غیرانتفاعی خلط می‌شود. نگارندگان بر این باورند که تعاون هرچه بیشتر سرنوشت خود را به دست عقلانیت اقتصادی و تجاری دهد، بهتر به هدف خود که همان ارتقای اعضا باشد، دست می‌یابد. رویکرد اتحادیه بین‌المللی تعاون نیز حاکی از آن است که اگر شرکت‌های تعاونی در زمینه رقابت اقتصادی و عرضه خدمات از کوره‌راه‌های سنتی خارج شده، به فعالیت‌های تجاری بپردازند، نباید آن را «انحراف» نامید؛ مشروط بر اینکه تعاونی در این راه مقصودی جز تأمین نیاز اعضا نداشته باشد و تا اندازه‌ای پیش رود که از ماهیت و مبانی اصلی خود خارج نشده، تبدیل به یک شرکت سوداگر و سرمایه‌محور صرف نشود.

### واژگان کلیدی

اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA)، تعاونی، سود و انتفاع، فعالیت‌های تجاری.

Email: sh.aghamohamadi@ut.ac.ir

\* نویسنده مسئول، فاکس: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۶۸۵

## مقدمه

یکی از معضلات و مسائل اصلی تعاونی‌ها از آغاز پیدایش تاکنون، مسئله تأمین مالی و جذب سرمایه‌های لازم به منظور ادامه بقا و تداوم فعالیت‌های خود بوده است. در این میان آنچه به صورت یک مسئله کلیدی مطرح می‌شود این است که آیا با توجه به مبانی و فلسفه پیدایش تعاونی‌ها که بر مبنای تأمین نیازهای اعضا شکل گرفته و کاملاً خود را متمایز از شرکت‌های تجاری می‌دانند، می‌توانیم این اجازه را به تعاونی‌ها بدهیم که دست به انجام چنین فعالیت‌هایی بزنند؟ با فرض اینکه از نظر عرفی، فعالیت تجاری به فعالیتی اطلاق می‌شود که هر یک از طرفین یا طرف‌ها، عملی را با قصد منفعت و سود انجام دهند؛ به عبارت دیگر، همواره از نظر عرف در فعالیت‌های تجاری قصد انتفاع و سودجویی نهفته است. اساساً مهم‌ترین اهداف تعاونی‌ها محور قرار دادن انسان‌ها به جای سرمایه است یا بهتر بگوییم به جای اینکه انسان‌ها اسیر سرمایه و سرمایه‌دار باشند، سرمایه اسیر انسان می‌شود و نهایت کار رفع نیاز مردمی است که به تنهایی نمی‌توانند کاری را انجام دهند یا نیاز خود را مرتفع سازند که با تشکل در قالب تعاونی می‌توانند آن را عملی و ممکن کنند و سرانجام حذف مشاغل کاذب و واسطه‌های زائد که به دنبال گستردگی شبکه‌های توزیع، امری اجتناب‌ناپذیر است.

چالش بزرگی که در این راه پیش روست، اصل و مبنای پذیرفته‌شده بین‌المللی است که تعاونی‌ها را بیشتر از آنکه سرمایه‌محور بداند، انسان‌محور دانسته است و این نقطه کلیدی و به عبارتی روشن‌کننده راه آن‌هاست که به راحتی نمی‌توان از آن عدول کرد. در زمینه تعاونی‌ها تحقیقات و مقالات متعددی وجود دارد، اما در مورد این مسئله و امکان جمع میان تعاونی‌ها و فعالیت‌های تجاری، به جرأت می‌توان گفت بحثی به صورت مجزا، مستقل و کارآمد نه در قالب کتاب و مقاله و نه به صورت‌های دیگر به میان نیامده است. در بعضی کتاب‌ها و منابع خارجی در ذیل فعالیت‌های تعاونی چندین فعالیت را که رنگ و بوی تجاری دارند، برمی‌شمرند که سررشته مطلب و موضوع مورد بحث را می‌توان از آنجا دریافت و به تناقض ظاهری ایجادشده ایراد وارد کرد که مگر تعاونی‌ها با آن سوابق، پیشینه و مبانی می‌توانند فعالیت‌های تجاری انجام دهند؟! لذا کوشیدیم تا این پژوهش را با روشی تحلیلی-توصیفی و تطبیقی و گاه فلسفی-حقوقی به انجام برسانیم. ناگفته نماند دشواری این پژوهش از آن روست که باید مرزی دقیق پی‌ریزی شود تا تعاونی‌ها افزون‌بر اینکه بتوانند در چرخه اقتصادی جایگاه

داشته باشند، ارزش‌ها و اصولشان را که مقوم ذاتی آن‌هاست، به دست ناپودی نسپارند.

«تعاون» به مفهوم امروزی که در قالب شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی و دارای اصول و قواعد مشخص و ازپیش تدوین‌شده شکل گرفته، از سابقه‌ای حدود ۱۵۰ ساله برخوردار است. از نظر تاریخی آنچه بیشتر معروف شده «انجمن پیشگامان منصف راجدیل» (Rochdale Equitable Pioneers Society) است که آن را به‌عنوان نمونه اولیه و الگویی از جامعه تعاونی مدرن و مؤسسان و بنیان‌گذاران جنبش تعاونی قلمداد کرده‌اند. این انجمن در سال ۱۸۴۴م در شمال انگلستان به تأسیس اولین شکل کسب و کار تعاونی مدرن اقدام کرد. تعاون به مفهوم خاص و در اصطلاح شیوه‌ای است برای پایان دادن به تصدی‌گری دولت و نیز سلطه‌جویی و استثمار از سوی بخش خصوصی، که استعدادهای نهفته را بیدار کرده، ابزار کار را در اختیار طبقات ضعیف قرار می‌دهد تا واسطه‌های غیرضروری را از تجارت حذف کنند و امورشان را خود به‌دست گیرند (ساردویی نسب، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

واژه «تجارت» در لغت برابر مفاهیمی چون سوداگری، بازرگانی و دادوستد آمده است (معین، ۱۳۸۷، ص ۲۴۱ و ۲۶۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۴۳۸). از نظر عرفی، فعالیت تجاری به فعالیتی اطلاق می‌شود که هریک از طرفین یا طرف‌ها عملی را با قصد منفعت و سود انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، همواره از نظر عرف در فعالیت‌های تجاری قصد انتفاع نهفته است (لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱). اما در اصطلاح، معنا و مفهوم فعالیت‌های تجارتي نیز چندان از معنای عرفی رایج آن دور نیفتاده است؛ چنان‌که برخی (ستوده تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۴۵) در آثارشان عملیات تجارتي را اعمالی می‌دانند که به‌طور مستمر به‌وسیله تاجر برای جلب منافع انجام می‌گیرد. بعضی دیگر (خزاعی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶ و ۱۲۷) نیز در مقام تمییزبخشی، افزون‌بر اینکه فعالیت تجارتي را فعالیتی منفعت‌طلبانه دانسته‌اند، بر این باورند کسی که به تجارت اشتغال ورزد، در صدد کسب منفعت نقدی است و از بیان خود نتیجه‌گیری کرده‌اند که اولاً کسانی که اشتغال به فعالیت و بهره‌برداری از مؤسسه دارند، در صورتی که در جستجوی منفعت شخصی نباشند، تاجر شمرده نمی‌شوند؛ مانند کسی که نمایشگاه عمومی یا باشگاه رقابت ورزشی دایر می‌کند. دوم اینکه نمی‌توان کسانی را که به‌طور اتفاقی به تجارت اشتغال می‌ورزند، ولی این عمل را شغل خود قرار نداده‌اند، تاجر دانست. با جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف

در ارائه تعریف از فعالیت‌های تجاری، به نظر می‌رسد تحقق فعالیت تجاری را باید به فراهم آمدن سه ویژگی تکرار (آن عمل استمرار داشته باشد) (اسکینی، ۱۳۸۰، ص ۶۰)، منفعت‌طلبی (برای کسب سود و منفعت انجام گیرد)، و گردش ثروت (معامله یا آن فعالیت باید به گردش ثروت بینجامد) (پیشین، ص ۱۲۲) مشروط کرد. یعنی اگرچه هر کدام از این اوصاف نمی‌توانند به تنهایی معیار ممیزه‌ای برای اطلاق فعالیت تجاری باشند، ولی با جمع هر سه آن‌ها در یک عمل نباید در تجاری تلقی کردن آن فعالیت تردید کرد. در نتیجه، منظور نگارندگان از «بررسی امکان انجام فعالیت‌های تجاری در قالب شرکت تعاونی»، تحلیل و امکان‌سنجی انجام فعالیت‌هایی است که سه شرط یادشده را دارا باشند.

### اصول و ارزش‌های تعاونی

سی‌ویکمین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون در صدمین سالگرد تأسیس اتحادیه بین‌المللی تعاون که در سال ۱۹۹۵م در منچستر و در تقارن با صدوپنجاهمین سالگرد تأسیس تعاونی مصرف پیشگامان راچدیل تشکیل شده بود، نسبت به اصول تعاون مصوب پیشین تجدیدنظر کرده، تغییراتی را در آن پدید آوردند. کنگره از آن پس، ماهیت سازمان‌های تعاونی را با توجه به تعریف، ارزش‌ها و اصول زیر تشخیص می‌دهد.

۱. تعریف. تعاونی انجمنی مستقل و متشکل از افرادی است که به‌طور داوطلبانه برای تأمین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا تأسیس شده، فعالیت خود را با مشارکت و مدیریتی دموکراتیک به‌اجرا درمی‌آورد.

۲. ارزش‌ها. تعاونی‌ها بر اساس ارزش‌های خودیاری، خودمسئولیتی، دموکراسی، عدالت، انصاف، و همبستگی بنا می‌شوند و در عرف بنیان‌گذاران آن، اعضای تعاونی رفتاری منطبق با ارزش‌هایی چون شرافت، گشاده‌رویی، مسئولیت اجتماعی و کمک به دیگران دارند.

۳. اصول. اصول تعاون، دستورالعمل تعاونی‌هایی است که قصد دارند ارزش‌های یادشده را عملی کنند. اصول جهانی نام‌برده در آخرین تجدیدنظر صورت گرفته در سال ۱۹۹۵م به شرح زیر است: <http://ica.coop/what's-a-co-op/> (operative, identity, values & principles) اصل اول، عضویت آزاد و داوطلبانه؛ اصل

دوم، کنترل دموکراتیک اعضا؛ اصل سوم، مشارکت اقتصادی اعضا؛ اصل چهارم، استقلال و عدم وابستگی؛ اصل پنجم، آموزش، کارآموزی و اطلاع‌رسانی؛ اصل ششم، همکاری میان تعاونی‌ها؛ و اصل هفتم، توجه به جامعه<sup>۱</sup>.

از میان این اصول، توجه و تمرکز بر اصل سوم (اصل مشارکت اقتصادی) و تاریخچه آن به دلیل ارتباط با موضوع، بیشتر است.

در اصل مشارکت اقتصادی اعضا (Member Economic Participation)، اعضا مشارکتی منصفانه (عادلانه) در تأمین سرمایه و نظارت دموکراتیک تعاونی دارند. این اصل در گذشته به دو اصل جداگانه تقسیم می‌شد<sup>۲</sup>: «پرداخت بهره محدود به سرمایه اعضا» و «تقسیم درآمد مازاد میان اعضا به نسبت معاملاتشان»<sup>۳</sup>.

الف) بهره محدود به سرمایه اعضا<sup>۴</sup>. در خصوص پرداخت بهره به سهام سرمایه‌ای و شیوه‌های متفاوت عملی آن، پیشگامان تعاونی اتفاق نظر ندارند. در حال این مسئله از اصول ثابت تعاونی نیست و هیچ اصلی در تعاونی تکلیف پرداخت بهره را مشخص نکرده است. ولی قاعده بر این است که اگر بهره‌ای به سهام سرمایه‌ای تعلق بگیرد، میزان آن باید محدود و ثابت باشد، زیرا تدارک‌کننده سرمایه در پس‌انداز مازاد منافع خالص حقی ندارد. در این خصوص چهار روش مختلف وجود دارد که سیاست هر تعاونی در زمینه پرداخت بهره‌روی سهام سرمایه‌ای با آن اصول محک زده می‌شود. روش اول، پرداخت

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. ساردویی نسب، محمد (۱۳۸۸)، نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران، مجله حقوق خصوصی، سال ششم، شماره پانزدهم.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک. قطعنامه بیست‌وسومین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون منعقدشده در وین، پنجم تا هشتم سپتامبر ۱۹۶۶.

۳. اگرچه این دو اصل در سال ۱۹۹۵ م ذیل اصل «مشارکت اقتصادی اعضا» بیان شده، اما چنین کاری از سوی کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون چندان بی‌دلیل و منطقی نیز نبوده است؛ چرا که در گزارش کمیسیون بررسی اصول که در سال ۱۹۹۲ م به کنگره توكيو رفت دربردارنده این مطلب بود که «اصل محدودیت سود سهام» باید با انعطاف بیشتری مطرح، و شیوه‌های تأمین سرمایه باید به صورت اصل جدیدی تصویب شود و در نتیجه‌گیری این گزارش آمده است که «سرمایه کارکردی بیش از وسیله پیدا کرده است» (طالب، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲ و ۲۵۳).

۴. کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۳۷ م، محدودیت سود سهام یا بهره سرمایه را به‌عنوان یکی از اصول تعاون اعلام کرده است. در بررسی دوباره اصول تعاون، این عمل را نیز کمیسیون منتخب کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۶۳ مطالعه کرده و گزارش آن به تصویب بیست و سومین کنگره در سال ۱۹۶۶ م رسیده است: «به سهام سرمایه‌ای در صورت کسب منافع، بهره با نرخ کاملاً محدودی تعلق می‌گیرد». این اصل در آخرین تجدید نظری که در سال ۱۹۹۵ م از سوی اتحادیه بین‌المللی صورت گرفت، در قالب «اصل مشارکت اقتصادی اعضا» رخ نمود.

نکردن بهره‌روی سهام سرمایه‌ای است و این اصل مغایرتی با اصول تعاونی ندارد. روش دوم، پرداخت بهره به نرخ پایین‌تر از نرخ عادی درآمد مازاد در یک دوره معین است. یک نرخ محدود در این خصوص مغایرتی با اصول تعاونی ندارد. روش سوم، پرداخت بهره به نرخ بهره در بازار است که به نسبت نوسان آن نرخ بهره هم متفاوت می‌شود. در این خصوص مبنای محاسبه بر اساس نرخ بهره سرمایه‌گذاری‌های درازمدت چندین ساله است، نه کوتاه‌مدت که اغلب دستخوش تغییرات روزانه می‌شود. اگر میزان بهره را به افزایش آینده نرخ سرمایه‌گذاری‌های درازمدت وابسته نمایند، این مطلب نقض غرض اصول تعاونی است و سپس روش چهارم این است که تعاونی خود را مکلف نماید که برای تشویق وام‌دهنده به مشارکت در سهام سرمایه‌ای و جلوگیری از به‌کار رفتن سرمایه او در محلی غیر از تعاونی، جایزه‌ای افزون بر بهره عادی نیز برای او قائل شود (همان، ص ۲۰۲ و ۲۰۳). این امر از نظر تعاونی پذیرفته نیست، ولی از لحاظ عملی گاه در مواردی که بعضی از مؤسسات تعاونی در مقابل شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری با تکنیک‌های مدرن احتیاج به سرمایه پیدا می‌کنند، این روش به‌کار می‌رود و آن‌ها اعضای خود را به این وسیله قانع می‌کنند که سرمایه‌گذاری شخصی در تعاونی نه فقط از نظر تعاونی، بلکه از نظر بهره‌گیری بیشتر از سرمایه به نفع آن‌هاست (شکیبا مقدم، ۱۳۸۶، ص ۳۵). مسئله در این است که میزان اضافی یک مبلغ جزئی است یا بزرگ؛ در صورت اول، انحراف از اصول به نحوی قابل مطالعه است و در شکل دوم، اگر با احتیاجی که پیش‌تر به آن اشاره شد قابل تطبیق نباشد، توجیه آن مشکل است (گزارشی درباره اصول تعاون از نشریات اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۱۳۴۸، ص ۴۷).

رویکرد کمیسیون خاص مربوط به اتحادیه بین‌الملل تعاون از گذشته بر این بوده است که محدودیت در پرداخت بهره نه فقط باید شامل حداقل سهام باشد که بیشتر تعاونی‌ها به موجب قوانین خود اعضا را برای استفاده از مزایای تعاونی ملزم به داشتن آن می‌کنند و این اصل شامل سهام سرمایه‌ای که اعضا افزون بر حداقل سهام می‌پردازند نیز می‌شود. البته اینکه این اصل تا چه اندازه از سوی کشورهای رعایت می‌شود، بحث مفصلی را می‌طلبد.<sup>۱</sup>

۱. برای مثال در قانون تعاون آلمان از نحوه تأمین سرمایه بحثی به‌میان نیامده است، ولی درباره پرداخت بهره سهام، روشی متفاوت و مغایر با اصول تعاون مصوب اتحادیه بین‌الملل تعاون برگزیده شده است. برابر مواد ۲۰ و ۲۱ قانون یادشده، «تقسیم سود و زیان در سال اول به نسبت مبلغ پرداخت‌شده بابت سهام و در سال‌های

ب) تقسیم درآمد مازاد (پس‌انداز یا مازاد برگشتی). مسئله دیگری که ضرورت پیدا می‌کند، تقسیم منصفانه درآمد مازاد و پس‌اندازهایی است که در نتیجه فعالیت مؤسسه ایجاد می‌شود. دو پرسش در خصوص حل این مسئله از پیش قابل طرح است؛ اول یافتن توازنی میان منافع افراد عضو و مؤسسه به‌طور کلی، و دوم رعایت انصاف بین یک عضو و عضو دیگر.<sup>۱</sup> در نتیجه، درآمد مازاد یا پس‌انداز ناشی از معاملات مؤسسه چنانچه عاید شود، متعلق به تمام اعضای مؤسسه است و باید به نحوی تقسیم گردد که از استفاده یکی به ضرر دیگری جلوگیری شود. این امر با تصمیم اعضا ممکن است به این شیوه‌ها انجام شود: اختصاص درآمد مازاد برای توسعه امور تعاونی؛ اختصاص درآمد مازاد به خدمات عمومی؛ و تقسیم میان اعضا به نسبت معاملات آن‌ها با مؤسسه.<sup>۲</sup>

### چالش‌های انجام فعالیت‌های تجارتي در قالب ساختار تعاونی

یکی از معضلات و مسائل اصلی تعاونی‌ها از آغاز پیدایش تاکنون، مسئله تأمین مالی و جذب سرمایه‌های لازم به‌منظور ادامه بقا و تداوم فعالیت‌های خود بوده است. روش‌های سنتی تأمین و جذب منافع مالی، برای تعاونی‌هایی که با چالش‌ها و بحران‌های حیات در دوران جدید رقابت روبرو هستند، محدودیت‌ها و مشکلات بسیاری را ایجاد کرده است. به این ترتیب با توجه به تغییراتی که در ابعاد جهانی در شیوه‌های تجارت و مبادله پدید آمده است، تعاونی‌ها در صدد برآمدن تا با ایجاد اصلاحاتی در مدل‌های سازمانی خود،

بعد به نسبت سهم هر یک از اعضا خواهد بود». «اساسنامه می‌تواند برای تقسیم سود ترتیب دیگری مقرر دارد از جمله تمام سود را به حساب ذخیره منتقل کند» و همین‌طور در قانون بلژیک پرداخت سود سهام را محدود ندانسته و مقرر داشته است که «سود و زیان شرکت همه‌ساله بالمناصفه (نیمی را به قسمت‌های مساوی بین اعضا و نیمی دیگر به تناسب سرمایه‌ای که در شرکت دارند) تقسیم می‌شود (طالب، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴ و ۲۰۷). در ایران نیز به موجب قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ ش، مبلغی که پس از کسر وجوه، تخصیص یافته و منظور شده، برای ذخیره قانونی، اندوخته احتیاطی، حق تعاون و آموزشی، و پاداش، از سود خالص سالانه شرکت باقی می‌ماند و به ترتیبی که در اساسنامه و شرایط ضمن عقد پذیرفته شده است، تقسیم می‌گردد. در نمونه اساسنامه‌ها قید شده است که پس از کسر وجوه یادشده، باقیمانده سود خالص بین اعضا به تناسب سهم آنان تقسیم می‌شود. تقسیم باقیمانده سود خالص میان اعضا تا جبران زیان انباشته شرکت تعاونی امکان‌پذیر نیست (ماده ۲۵ قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران).

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. گزارشی درباره اصول تعاون، تهران، مهر ماه ۱۳۴۸، نشریه شماره ۲۹ سازمان مرکزی تعاون کشور، گزارش کمیسیون خاص اتحادیه بین‌المللی تعاون درباره اصول تعاون از نشریات: اتحادیه بین‌المللی تعاون، ص ۵۰.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک. قطعنامه بیست و سومین کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون منعقدشده در وین، پنجم تا هشتم سپتامبر ۱۹۶۶.

ساختارهای نوینی را برای غلبه بر محدودیت‌های مدل سنتی و پاسخگویی به مقتضیات شرایط جدید تجربه نمایند. همان‌طور که دانستیم تعاونی‌ها دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی هستند که برای تحقق این ارزش‌ها باید به اصول تعیین‌شده برای هویت تعاونی پایبند باشند. این اصول باید از طرف هر سازمانی که مایل است حقیقتاً تعاونی به‌شمار رود و به عضویت اتحادیه بین‌الملل درآید، رعایت شود. کیفیت واقعی اصول بنیادین و استاندارد تعاون به مقتضیاتی از قبیل زمان و مکان، طرز تفکر مردم، موقعیت اقتصادی و فرهنگی، وضعیت نظام سیاسی و اقتصادی، بازار و وضع تجارت بستگی دارد. از دیدگاه نهضت جهانی تعاون، رعایت تمام اصول به‌رسمیت شناخته‌شده از سوی اتحادیه بین‌المللی تعاون برای تعاونی‌های کلیه کشورها از اصول آمره به‌شمار نمی‌رود، ولی دست‌کم چهار اصل اول از اصول یادشده (یعنی اصول عضویت آزاد و داوطلبانه، کنترل دمکراتیک تعاونی از سوی اعضا، مشارکت اقتصادی اعضا و پرداخت پاداش محدود به سرمایه‌ی اعضا، خودگردانی و استقلال تعاونی) را می‌توان پایه و بنیاد تعاون محسوب کرد. طبیعت اقتصاد تعاونی با توجه به اصول و ارزش‌های آن به‌گونه‌ای است که با سوداگری منافات دارد. تعاون ابزاری برای افزایش ثروت‌اندوزی نیست و مؤسسه تعاونی نباید عرصه فعالیت سوداگران باشد (Georg Draheim، ۱۳۴۹، ص ۱۶). دیگر اینکه اصل برابری اعضا نیز به همراه اصولی همچون «تقسیم درآمد مازاد بین اعضا به نسبت فعالیتشان» و «بهره محدود به سرمایه اعضا» سودجویی صرف و مطلق را از عملیات تعاون جدا می‌کند و مانع چیرگی صاحبان سرمایه بر تعاونی می‌شود.

شاید اگر در آغاز پیدایش تعاون در نظام اقتصادی، از انجام فعالیت‌های تجاری در قالب این شرکت‌ها سخن به میان می‌آمد، همه این معضل را نوعی انحراف از مسیر تعاون و قدم در راه سرمایه‌داری می‌دانستند، اما ما این طرز فکر را صحیح نمی‌دانیم. برعکس بر این باوریم که تعاون هرچه بیشتر مدیریت خود را به دست عقلانیت اقتصادی و تجاری بسپارد، بهتر به هدف خود یعنی ارتقای اعضا دست می‌یابد. اگر شرکت‌های تعاونی در زمینه رقابت اقتصادی و عرضه خدمات خود، از کوره‌راه‌های سنتی خارج شوند و راه‌های جدیدی اتخاذ کنند، باید بپذیریم که نباید آن را «انحراف در جهت سرمایه‌داری» نامید. آنچه به نظر می‌رسد اینکه حتی شرکت‌ها موظف هستند راه‌ها و امکانات جدیدی را برای انجام شایسته وظیفه خود جستجو کنند. البته عواملی چون اراده و توانایی (محدودیت‌های درونی) و تشخیص اقتصادی و مدیریتی شرکت دامنه این



پیشروی را محدود می‌کند (هزارجریبی، ۱۳۸۹، ص ۷۰). مهم این است که در سیاست کلی شرکت‌های تعاونی هدف ارتقای اعضا در عمل و به‌طور آشکار منظور گردد. همان‌طور که گفتیم یک سلسله عوامل دامنه این پیشروی را محدود می‌کنند؛ اینکه ما تا چه اندازه آزادی در شرکت‌های تعاونی دست به فعالیت‌های تجاری بزنیم، و آیا می‌توانیم برای رسیدن به اهداف و ارزش‌های تعاون برخی اصول گذشته را تا حدودی تعدیل کنیم.

### تفاوت اقتصادی کردن تعاونی‌ها با پول‌ساز کردن آن‌ها

روند «پول‌سازی» یا تجاری کردن که محرک آن اصل دستیابی به سود بیشتر است، با روند «اقتصادی کردن» فرق قطعی دارد. رشد شرکت‌های تعاونی و الحاق آن‌ها به مراکز تعاونی پیشرفته‌تر و مدیریت آن‌ها به‌مثابه یکی از مصادیق اقتصادی کردن است. یا همین‌طور استفاده هرچه بیشتر از متخصصان و کارشناسان در مدیریت و اداره شرکت‌های تعاونی به‌نحوی اقتصادی کردن شمرده می‌شود، اما پول‌سازی به‌هیچ‌وجه نوعی از اقتصادی شدن یا اعمال عقلانیت در تولید نیست، بلکه نتیجه گرایش هرچه بیشتر به اصل جمع‌آوری سود بیشتر است. بنابراین، هدف «پول‌سازی» ویژگی روش فعالیت اقتصادی را معین می‌کند. آنگاه که شرکت تعاونی در این جهت سیر کند، تغییر روش داده است. از نظر تعاون، این تغییر نوعی انحراف به‌شمار می‌آید؛ درحالی که پول‌سازی در مؤسسه اقتصادی - تجاری عامل درونی و تعیین‌کننده طبیعی روش فعالیت است. هرچه شرکت تعاونی بیشتر متوجه هدف غیرقابل انکار خود باشد و هرچه بیشتر در تجمع «گروه» در تعاون و ارتقای اعضا عملاً کوشا باشد، خطر تجاری شدن کمتر است. افزون‌براین، برای تقلیل احتمال انحراف باید معاملات خارجی جزء کوچکی از کل معاملات باشد که با اعضا انجام می‌شود (همان، ص ۲۳). هنگامی که چنین مرکزکشی دقیقی را میان اقتصادی کردن و پول‌ساز کردن درپیش می‌گیریم، درحقیقت، یکی دیگر از وجوه تمایز شرکت تعاونی و مؤسسه تجاری اقتصادی را روشن کرده‌ایم. درواقع ما با اقتصادی کردن و مدیریت اقتصادی تعاونی‌ها مشکلی نداریم، بلکه آنچه که محل اشکال است، پول‌سازی و تجاری‌سازی آن‌هاست. نباید به‌هیچ‌عنوان سودجویی و ثروت‌اندوزی در تعاونی‌ها هدف اصلی قرار گیرد. تعاونی‌ها برای تأمین نیازهای اعضای خود که به‌طور عمده از قشر متوسط جامعه هستند، به‌وجود آمده‌اند و نه چیز دیگر، و این معیار

می‌تواند مرز دقیقی میان اقتصادی کردن و پول‌سازی در نظر گرفته شود. یکی از اصول متمایزکننده تعاونی‌ها که در پی تمییز دادن تعاونی‌ها از شرکت‌های تجاری و مؤسسات کسبی انتفاع‌مدار به وجود آمده، اصل پرداخت سود محدود به سرمایه است. حتی برخی صاحب‌نظران از بیان واژه سود خودداری می‌کنند.

هنزler (R.Hienzle)<sup>۱</sup> پیشنهاد می‌کند که واژه محاسبه سود و زیان به دلیل ماهیت دیگری که در تعاونی دارد، به واژه‌های محاسبه مازاد و نقصان تغییر داده شود (همان، ص ۲۷ و ۲۸).

ضمانت اجرای تخطی تعاونی‌ها از مرزکشی‌های فعالیت خود، در قوانین بیشتر نقاط دنیا مشخص شده است و اگر شرکت تعاونی‌ای به سمت پول‌سازی و یا انتفاع‌مداری و به عبارتی سودجویی صرف برود و به نحوی از قالب تعاون به عنوان سرپوش استفاده کند، با آن برخورد می‌شود؛ چنان‌که برای مثال در قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ش در ماده ۶۶ در بیان وظایف و اختیارات وزارت تعاون به‌طور خاص در بندهای ۱۸، ۱۷، ۱، ۲۹ به این مطلب اشاره شده است.<sup>۲</sup>

در ادامه، در راستای نقطه اتکا و قوت استدلال ما پیرامون این بحث و نیز بررسی وجوه تمایز میان شرکت‌های تعاونی و سرمایه‌محور، قانون نمونه سازمان بین‌المللی کار می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

## رویکردهای سازمان بین‌المللی کار نسبت به چالش انجام فعالیت‌های تجاری در قالب تعاونی‌ها

در تعریفی که سازمان بین‌المللی کار (ILO) از تعاونی‌ها ارائه می‌دهد، تعاونی‌ها را نه

۱. مدیر اسبق مؤسسه تعاونی دانشگاه هامبورگ و اقتصاددان معروف آلمانی و از نظریه‌پردازان در امر تعاونی.  
 ۲. «بند ۱- اجرای آن قسمت از قانون و مقررات در رابطه با بخش تعاونی که مربوط به دولت می‌شود و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات بخش تعاونی.  
 بند ۱۷- وزارت تعاون می‌تواند در صورت احراز تخلف در اداره امور شرکتها یا اتحادیه‌های تعاونی مراتب را به دادگاه صالح اعلام و دادگاه موظف است خارج از نوبت در رسیدگی مقدماتی در صورت احراز تخلف حکم تعلیق مدیران شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی یادشده را صادر نماید. در این صورت وزارت تعاون موظف است بطور موقت افرادی را برای تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره جدید منصوب نماید  
 بند ۱۸- جلوگیری از فعالیت اشخاص حقیقی یا حقوقی که به هر نحو از نام یا عنوان تعاونی سوء استفاده می‌کنند .  
 بند ۲۹- سلب مزایا از تعاونیهایی که برخلاف قانون و مقررات بخش تعاونی عمل نموده و یا برخلاف اساسنامه مصوب اقداماتی کرده باشند».

مانند یک شرکت سرمایه‌محور و نه مانند یک شرکت غیرانتفاعی و خیریه، بلکه دارای ماهیت مستقلی می‌داند؛ چنان‌که گفته شده است تعاونی‌ها بیشتر از آنکه سرمایه‌محور باشند، انسان‌محورند. سازمان بین‌المللی کار نیز اذعان دارد که تعاونی‌ها به اعضای خود خدمت می‌کنند و متفاوت از شرکت‌های سهامی هستند؛ به همین دلیل به قوانینی جداگانه نیاز دارند.

این سازمان در همین راستا یک سند راهبردی را برای قانون تعاونی تدوین و تنظیم می‌کند تا راهنمای کشورهای در تدوین قانون تعاونی قرار گیرد (<http://ica.coop//what's a coop? //co—operative legislation/guidelines for co-operative legislation>). واقعیت معرفی شده در این سند این است که تعاونی‌ها به اعضای خود خدمت می‌کنند و در این راه نیز از کسب سود بی‌نیاز نیستند، اما تعاونی‌ها متمایز از شرکت‌های سهامی، و نیازمند قانونی متناسب با ویژگی‌های خاص خود هستند. در آغاز سال ۱۹۹۸م اولین نسخه سند و پس از آن در سال ۲۰۰۵م نسخه دوم و تجدیدنظر شده آن و در نهایت در سال ۲۰۱۲م نسخه سوم و آخرین تجدیدنظر از این سند در سالی که از سوی سازمان ملل متحد با عنوان سال بین‌المللی تعاونی‌ها نام‌گذاری شده بود، متناسب با وضعیت کنونی تعاونی‌ها و نوآوری‌های ایجادشده در شکل تعاونی‌ها به‌چاپ رسید. پرسش اصلی مطرح‌شده در نسخه سوم این سند این است ([http://ica.coop//what's a coop? //co—operative legislation/guidelines for co--operative legislation \(third revised edition\), p.35](http://ica.coop//what's a coop? //co—operative legislation/guidelines for co--operative legislation (third revised edition), p.35))، که آیا تعاونی‌ها از اساس برای کسب سود و منفعت (غیرانتفاعی) نبوده یا برای سودجویی (انتفاع‌مدار) نیستند؟ به عبارت دیگر آنچه در خصوص وضعیت اقتصادی تعاونی هنوز هم یک مسئله می‌باشد، این است که تعاونی‌ها نهادی هستند که به‌هیچ‌وجه اجازه کسب سود و منفعت ندارند و یا آنکه این اجازه را دارند، ولی نه به‌عنوان هدف اصلی؛ به‌گونه‌ای که فعالیت آن‌ها سودجویی صرف باشد. آنچه روشن است اینکه سازمان بین‌المللی کار فعالیت تعاونی‌هایی را که در دسته سوم قرار دارند، یعنی تعاونی‌هایی که مانند شرکت‌های سرمایه‌محور به پول‌سازی، تجارت و سودجویی صرف می‌پردازند، از مفهوم تعاونی خارج کرده است. اما در پاسخ به پرسش

۱. رویکرد تعدادی از قوانین کشورهای امریکای لاتین به تعاونی‌ها همچنان غیرانتفاعی است و فعالیت‌های این بخش نقطه مقابل فعالیت‌های تجاری توصیف می‌شود ley marco para las cooperativas de America latina (section 7).

مطرح شده، به نظر می‌رسد آنچه که از فحوای این سند برمی‌آید، این سازمان به تعاونی‌ها هم برای بقا و رقابت در عرصه اقتصادی اجازه فعالیت تجاری داده است، اما نه به صورتی که از فعالیت آن‌ها سودجویی به تمام معنا برداشت شود. در ادامه به بیان دیدگاه‌های سازمان بین‌المللی کار پیرامون وجوه تمایز میان شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های سرمایه‌محور و مهم‌ترین مصداق این شرکت‌ها یعنی شرکت‌های سهامی می‌پردازیم که بسیار به روشن شدن مطلب کمک می‌کند.

### تمایز میان تعاونی‌ها و شرکت‌های سهامی<sup>۱</sup>

- محور شرکت‌های سهامی، سرمایه و سرمایه‌گذار است و این گونه شرکت‌ها به واسطه روابط سرمایه‌گذاری تعیین می‌شوند و قوام می‌یابند. در مقابل، شرکت‌های تعاونی مردم‌محور و عضو‌محورند و با روابط معاملاتی تعیین می‌شوند. سرمایه این تعاونی‌ها بر اساس تعداد اعضا متفاوت است.
- در مواردی که یک سرمایه‌گذار، کاربر خدمات ارائه شده از سوی یک شرکت دارای سهام بوده و یا خریدار/فروشنده محصولات آن باشد، این موقعیت اتفاقی است و همیشه لزوماً اینطور نیست؛ در حالی که در شرکت‌های تعاونی دراصل چنین موقعیتی، یک مؤلفه ساختاری است. اعضا همان کاربران اصلی خدمات تعاونی بوده، یا اکثریت قریب به اتفاق نیروی کار آن‌ها را تشکیل می‌دهند.
- تمایز بعدی تفاوت در واژگان است. سهام اعضا در شرکت تعاونی سهام عضویت است. بیشتر زبان‌ها به جز انگلیسی، تمایزی را میان سهام شرکت‌های سهامی و سهام عضویت شرکت‌های تعاونی به وجود آورده و برای این منظور از واژگان متفاوت استفاده کرده‌اند. برای مثال، در زبان فرانسه، واژگان «actions» و «parts sociales» در نظر گرفته می‌شود.
- آنچه که از شرکت‌های سهامی و یا شرکت‌هایی که دارای تعهدات حقوقی

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک.

[http://ica.coop/what's\\_a\\_coop?//co—operativelegislation / guidelines for co-operativ legislation \(third revised edition\) , page 37-39](http://ica.coop/what's_a_coop?//co—operativelegislation / guidelines for co-operativ legislation (third revised edition) , page 37-39).

هستند انتظار می‌رود، این است که بیشترین بازده حاصل از سرمایه را به وجود آورند. آن‌ها به دنبال فرصت‌های بازار و علاقه‌مند به ارزش مبادله محصولات خود هستند؛ در حالی که تعاونی‌ها در پی خدمت‌رسانی به اعضای خود، و علاقه‌مند به استفاده از ارزش محصولات می‌باشند.

- نتیجه و خروجی مثبت از تعاونی‌ها به دو بخش، سود (profit) حاصل از انجام معامله با افراد غیرعضو در صورت وجود (منطبق با شرایط تجاری) و مازاد (surplus) یا همان افزایش موجودی حاصل از معاملات با اعضا (منطبق با شرایط شرکت‌های تعاونی) تقسیم می‌شود. در شرکت‌های سهامی تمام سود متعلق به اعضاست، اما در تعاونی‌ها اصل پرداخت پاداش، محدود به سرمایه اعضا و سرمایه‌گذاری‌های الزامی از جمله ذخایر قانونی است.
- در نحوه توزیع سود و مازاد متفاوت‌اند؛ به این گونه که شرکت‌های سهامی معمولاً سود سهام‌داران را به نسبت سرمایه آورده سرمایه‌گذاران توزیع می‌کنند و این در حالی است که تعاونی‌ها اصولاً سود را میان اعضا تقسیم نمی‌کنند و باید تنها قسمتی از مازاد را میان اعضا توزیع کنند و این هم وابسته به حجم معاملات انفرادی اعضا با تعاونی در یک دوره خاص از زمان دارد.<sup>۱</sup>
- مدیریت شرکت‌های سهامی در دست سرمایه است، در حالی که محور شرکت‌های تعاونی در دست اعضاست.
- نظام کنترل در دو شرکت کاملاً متفاوت است. حق رأی در شرکت‌های سهامی منطبق با میزان سرمایه آورده از سوی فرد است، در حالی که در انجمن‌ها و تعاونی‌ها حق رأی برابر به اعضا داده می‌شود و هر فرد یک رأی دارد؛ صرف نظر از هرگونه موقعیت اقتصادی وی.
- اعضای تعاونی با رویکرد گروهی، از برآورده شدن نیازهایشان راضی هستند، در حالی که در شرکت‌های سهامی رضایت اعضا با سود حاصل از سرمایه ارتباط مستقیم دارد.

۱. البته این رویکرد خاص سازمان بین‌المللی کار است و صرف نظر از دآوری و تعیین درست یا غلط بودن این دیدگاه، باید گفت که عرف تعاونی‌ها و رویکرد اتحادیه بین‌المللی این است که تعاونی‌ها می‌توانند سود را میان خود تقسیم کنند؛ مشروط به اینکه کنترل شده باشد و در اساسنامه تعاونی قید شود.

- در مواردی که شرکت‌های صاحب سهام از طریق توسعه یا ادغام رشد می‌کنند، رشد شرکت‌های تعاونی از طریق توسعه و یا مشارکت افقی و یا شکل‌گیری اتحادیه‌ها و فدراسیون‌هاست.
- در شرکت‌های سرمایه‌محور آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، رسیدن به نتیجه است و راه و روش در وهله دوم اهمیت قرار دارد؛ درحالی که برای شرکت‌های تعاونی راه و مسیر و پیروی از اصول و ارزش‌های تعاونی از همه چیز مهم‌تر است یا اگر هم اینطور نباشد به اندازه نتیجه با ارزش و با اهمیت است.
- تعاونی‌ها، اصلی به نام «اصل توجه به جامعه» دارند و در راستای «مسئولیت اجتماعی» که یکی از ارزش‌های تعاونی‌هاست و خود را ملزم به پاسداری از آن می‌دانند، مطرح می‌شود. تعاونی‌ها در کنار تأمین نیاز اعضایشان به جامعه نیز اهمیت می‌دهند.<sup>۱</sup>

### بررسی و تحلیل شیوه‌های نوین تأمین مالی شرکت‌های تعاونی

امروزه همسو با تغییراتی که در ابعاد جهانی در شیوه‌های تجارت پدید آمده است، تعاونی‌ها ساختارهای نوینی را برای رویارویی با شرایط جدید تجربه می‌کنند. آن‌ها در قالب مدل سنتی، به‌منظور تأمین منابع مالی لازم برای خرید زمین و تجهیزات، توسعه فعالیت‌ها و پرداخت‌های مرتبط با عملیات کوتاه‌مدت و بلندمدت خود از دیرباز همواره به دو روش سنتی متکی بوده‌اند؛ یکی استفاده از سرمایه‌های مستقیم اعضا و سرمایه‌گذاری مجدد مازاد برگشتی (Patronage Refunds) آن‌ها، و دیگری وام گرفتن از نهادها و مؤسسات مالی. دراین میان نگهداری ذخیره احتیاطی نیز از جمله ابتدایی‌ترین روش‌های تعاونی به‌منظور تجمیع سرمایه سهام لازم بوده که در قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران نیز این ذخایر پیش‌بینی شده است (ماده ۲۵ قانون بخش تعاون).

برخی از چالش‌های مشترکی که تعاونی‌ها از جنبه تأمین مالی در قالب مدل سنتی

۱. ممکن است گفته شود که امروزه مسئولیت اجتماعی برای شرکت‌های تجاری نیز مطرح است، اما باید خاطر نشان کرد که در خصوص تعاونی‌ها به‌عنوان یک اصل در میان اصول هفت‌گانه آن‌ها مطرح شده است و این نشان از اهمیت و تأکید تعاون بر این مسئله دارد.

با آن روبرو هستند، عبارت‌اند از: محدودیت منابع تأمین مالی تعاونی‌ها در مقایسه با دیگر شرکت‌های تجاری؛ مشکلات مربوط به حفظ عایدات و درآمدها؛ افزایش هزینه‌ها و نیازهای سرمایه‌ای؛ مشکل سواری رایگان<sup>۱</sup> (Free Rider Problem) (حسینی و سوری، ۱۳۹۲، ص ۱۹). با توجه به مطالب یادشده و در نتیجه مسائل و مشکلاتی که مدل سنتی برای تأمین منابع مالی موردنیاز شرکت‌های تعاونی برای ادامه بقا در عرصه بازار رقابتی ایجاد می‌نماید، مدل‌های سازمانی جدیدی در حوزه تعاون توسعه یافته‌اند که در ادامه به معرفی این مدل‌ها و بررسی شیوه‌های تأمین مالی در آن‌ها پرداخته می‌شود.

### انواع مدل‌های سازمانی تعاونی‌ها بر اساس تجربیات جهانی

وجود مشکلاتی که تعاونی‌های سنتی با آن مواجه‌اند، سبب شده است مدل‌های سازمانی جدید در جهت رفع این نواقص و پاسخگویی به مقتضیات بازار رقابتی در دهه‌های اخیر در حوزه تعاون توسعه یابند. چاداد و کوک (Chaddad Fabio and Michael Cook) بر مبنای تئوری حق مالکیت شرکت، طیفی از مدل‌های سازمانی مشترک را که در نقاط مختلف دنیا دسته‌بندی شده‌اند، در مقاله «گونه‌شناسی حقوق مالکیت در مدل‌های تعاونی» تشریح می‌نمایند (chaddad&cook, 2004, p.348-360).

آن‌ها استدلال می‌کنند که مدل‌های سازمانی تعاونی را می‌توان بر مبنای تعریفی که از حق مالکیت ارائه می‌شود و بر اساس نحوه تخصیص این حق به عواملی که به‌طور قراردادی با شرکت در ارتباط هستند (اعضا، حامیان، سرمایه‌گذاران خارجی)، از یکدیگر متمایز ساخت. در اینجا به تشریح هر یک از مدل‌ها می‌پردازیم.

**۱. تعاونی سنتی (Traditional co-operative).** در مدل سنتی تعاونی، فارغ از تعداد سهام اعضا، هر عضو دارای یک حق رأی است. تأمین مالی در تعاونی‌های سنتی به روش‌های سرمایه‌گذاری مستقیم اعضا، سرمایه‌گذاری مجدد مازاد برگشتی اعضا و دریافت وام از نهادهای مالی استوار است. حق مالکیت محدود به اعضای شرکت بوده،

۱. سوار رایگان به کسی اطلاق می‌شود که از مزایای وجود تعاونی در یک ناحیه بهره‌مند می‌شود؛ بدون عضویت در تعاونی و یا سرمایه‌گذاری در آن.

قابل انتقال، افزایش و بازخريد نيست (chaddad&cook, 2004, p.2).

## ۲. تعاونی‌های سرمایه‌گذاری نسبی (Proportional Investment co-operative)

این گونه تعاونی‌ها به شرکتی اطلاق می‌شود که حقوق مالکیت در آن محدود به اعضا بوده، قابل انتقال، بازخريد و افزایش نيست (Ibid, p.3).

## ۳. تعاونی‌های عضو- سرمایه‌گذار (Member Investor co-operatives)

عضویت در این نوع تعاونی‌ها محدود به اعضا و حامیان است و حق عضویت در آن‌ها قابل انتقال و بازخريد نيست (Ibid, p.3).

## ۴. تعاونی‌های نسل جديد («NGC» New Generation co-operatives)

برخلاف تعاونی‌های سرمایه‌گذاری نسبی و تعاونی‌های عضو سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاری اعضا در تعاونی‌های نسل جديد به حق مالکیت مربوط نمی‌شود، بلکه با «حق واگذاری» (Delivery Right) ارتباط دارد. اعضا در این نوع تعاونی‌ها ملزم به واگذاری مقدار خاصی از محصولاتشان طی یک دوره خاص و بر طبق قراردادی مشخص به تعاونی بوده و تعاونی‌ها نیز ملزم به دریافت محصولات و بازاریابی آن‌ها در بازار هستند. حق واگذاری نیز تنها به تولیدکنندگان واجد شرایط با تأیید هیئت مدیره امکان‌پذیر است.

## ۵. تعاونی‌هایی با واحدهای مستقل دارای سرمایه در حال افزایش (co-operatives with capital Raising Entities)

یکی از راه‌های جذب منابع مالی جديد برای تعاونی‌ها، ائتلاف و تشکیل تراست می‌باشد. تعاونی‌هایی با واحدهای مستقل دارای سرمایه در حال افزایش، با تشکیل این ائتلاف‌ها و تراست‌ها، به‌طور غیرمستقیم منابع مالی لازم برای ادامه فعالیت خود را کسب می‌کنند. در این نوع تعاونی‌ها منابع مالی سرمایه‌گذاران خارجی به‌طور مستقیم در تعاونی وارد نمی‌شود، بلکه از طریق ائتلاف‌های استراتژیک، تراست‌ها و یا شعباتی به تعاونی‌ها تزریق می‌شود (Ibid, p.4).

ائتلاف استراتژیک (برای مثال Dairy Farmers of America) برای تعاونی این امکان را فراهم می‌سازد تا به صورت غیرمستقیم با سرمایه‌گذاری بخشی از حاشیه سود خود، به منابع خارجی تأمین سرمایه ریسکی (بخشی از سرمایه که در فعالیت‌های با بازدهی بالا و در عین حال دارای ریسک شکست بالا سرمایه‌گذاری می‌شود) دست یابد. ایجاد شعبات نیز زمانی صورت می‌گیرد که تعاونی یک شرکت جداگانه را تأسیس



کرده، یا در برخی موارد همه دارایی‌هایش را به یک شرکت مجزا که دارای بیشترین سهم مالکیت (عموماً ۱۰۰ درصد) است، منتقل نموده باشد. این مدل سازمانی به‌عنوان «مدل ایرلندی» (Irish Model) مشهور است، زیرا از سوی بسیاری از تعاونی‌های ایرلندی به شکل موفقیت‌آمیزی استفاده شده است.

#### ۶. تعاونی‌های سهامی - سرمایه‌گذار (Investor Share co-operatives). در

این گونه تعاونی‌ها، سرمایه سهام افراد غیرعضو بدون تبدیل به شرکت سرمایه‌محور (IOF) جذب می‌شود و سرمایه‌گذاران غیرعضو در کنار اعضای تعاونی، حق مالکیت دریافت می‌کنند (Ibid, p.4؛ طالب، ۱۳۸۲، ص ۱۸۹). در کشور ما در خصوص شرکت‌های تعاونی سهامی عام همین رویکرد و مدل مد نظر است.

#### ۷. تبدیل شدن به شرکت‌های سرمایه‌محور (conversion to Investor Owned Firm) (IOF)

تبدیل شدن به شرکت سرمایه‌محور، یک استراتژی خروجی است که تعاونی تصمیم می‌گیرد ساختار سازمانی را که در آن اعضا مالک نبوده، کنترل شرکت را در دست ندارند، اقتباس نماید. ضمن اینکه بدون هیچ قضاوت متعصبانه‌ای بایستی این مدل را یک انحراف از مبانی و اصول تعاونی دانست، اغلب به این فرایند، تجدید ساختار گفته می‌شود که در قالب آن حق عضویت تعاونی به حق مالکیت سهام عادی نامحدود در چارچوب ساختار یک شرکت تجاری تبدیل می‌شود. اغلب این فرایند با یک پذیره‌نویسی عمومی همراه است که برای سازمان جدید امکان افزایش سرمایه را فراهم می‌آورد (حسینی و سوری، ۱۳۹۲، ص ۲۴).

با توجه به توضیحات ارائه شده در خصوص مدل‌های سازمانی، اگر مدل تعاونی‌های سنتی و مدل تعاونی‌های تبدیل شدن به شرکت سرمایه‌محور را دو سر یک طیف در نظر بگیریم. مدل‌های تعاونی‌های سرمایه‌گذاری نسبی، تعاونی‌های عضو-سرمایه‌گذار، تعاونی‌های نسل جدید، تعاونی‌های واحدهای مستقل با سرمایه در حال افزایش و تعاونی‌های سهامی-سرمایه‌گذار، از جمله مدل‌های جدیدی هستند که در میانه این طیف جای می‌گیرند. هر یک از این مدل‌ها در مقایسه با مدل سنتی دارای مزایا و معایبی هستند و بسته به شرایط برای انواع تعاونی‌ها با اندازه و ساختار متفاوت می‌توانند کاربرد داشته باشند (Ibid, p.5).

## رویکرد تعاونی‌های ایرانی و اتحادیه بین‌المللی تعاون نسبت به امکان انجام فعالیت‌های تجاری

### ۱. اتاق تعاون مرکزی ایران

رویکردها و سیاست‌گذاری‌های این سازمان از برخی وظایف معرفی شده<sup>۱</sup> تا تأسیس مرکز تجاری در سلیمانیه عراق با مشارکت شرکت‌های تعاونی (www.icccoop.ir) اعزام هیئت‌های تجاری) و نیز کمک به ظرفیت‌سازی و مزیت‌سازی صادراتی تولید کالا و خدمات بخش تعاونی و زمینه‌سازی برای حضور کیفی و مؤثر اقتصاد تعاونی در بازارهای هدف صادراتی، همه و همه می‌تواند مؤید تجاری‌نگریستن و تلاش برای انجام فعالیت‌های تجاری در قالب تعاونی باشد.

### ۲. سیری در قوانین و سیاست‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با نحوه عملکرد تعاونی‌ها و

بررسی داشتن یا نداشتن امکان انجام فعالیت‌های تجاری در قالب این اسناد اینک با نگاهی تأمل‌برانگیز به قوانین و دستورالعمل‌های موجود و مجموع سیاست‌های کلی نظام پیرامون تعاونی‌ها، به مطالب و دستاوردهای جالب توجه درباره وضعیت کنونی تعاونی‌ها در ایران و بایدها و نبایدهای مربوط به این نهاد خواهیم رسید.

### ۱. ۲. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (با اصلاحات بعدی)

با نگاه به موادی از جمله تبصره ماده ۲۸ و ماده ۴۳ (به‌خصوص بندهای ۴، ۵، ۶)، می‌بینیم که بسیاری از فعالیت‌هایی را که قانون‌گذار ذیل اختیارات و وظایف تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تعاونی معرفی کرده، اعمالی است که به تصریح ماده ۲ قانون تجارت، اعمال تجاری تلقی شده و جواز صادر شده از سوی این قانون خود دال بر امکان انجام این

۱. رئوس وظایف اتاق تعاون: ۴. برگزاری دوره‌های کاربردی در رشته‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، معدنی، خدماتی و بازرگانی موردنیاز تعاونی‌ها. ۶. کمک به توانمندسازی تعاونی‌ها و راهنمایی آن‌ها در امور فنی، حقوقی، مالی، اداری و بازرگانی. ۸. برگزاری نمایشگاه‌های عمومی و تخصصی در داخل و خارج از کشور و ایجاد مراکز تجاری در کشورهای هدف.

اعمال از سوی تعاونی‌هاست. پیش‌بینی ورشکستگی برای تعاونی‌ها در بند ۶ ماده ۵۴ همین قانون نیز مؤید این مطلب است. حال آنکه ما می‌دانیم طبق تعریفی که ماده ۴۱۲ قانون تجارت ارائه می‌دهد: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیة وجوهی که برعهده اوست حاصل می‌شود»، و از طرفی پرواضح است که ورشکستگی فقط برای شخص تاجر اعم از حقیقی یا حقوقی (که فعالیت‌های تجارتي هم طبیعتاً انجام می‌دهند) معنا دارد و این از مواردی است که با مفروض دانستن تعاونی‌ها به‌عنوان اشخاص تجاری و با توجه به ماده ۳ قانون تجارت که اعمال این اشخاص را برای رفع نیازشان تجاری می‌داند (اعمال تجاری تبعی) و نیز باوجود امکان ورشکستگی‌شان، باید قائل به این شد که تعاونی‌ها می‌توانند به فعالیت‌های تجارتي اقدام کنند.

۲.۲. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۴/۳/۱

جواز صادرشده در بند «الف» این سیاست، به سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت از سوی بخش غیردولتی از جمله تعاونی‌ها در زمینه‌های یادشده در صدر اصل ۴۴ همچون صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز)، معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز)، فعالیت‌های بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات، امور پستی و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، راه و راه‌آهن، هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتی‌رانی (حمل و نقل دریایی)، و به امکان انجام این دست فعالیت‌های تجاری از سوی تعاونی‌ها اشاره دارد.

در بند «ب» همین سیاست‌ها از افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵٪ تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم و همچنین رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه سخن می‌گوید.

در بند «ج» نیز مانند بند «الف» این بار در مقام اجازه به تعاونی‌های سهامی عام آمده است: واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ (از قبیل فعالیت‌هایی همچون شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، بنگاه‌های پستی و مخابراتی، بنگاه‌های برق‌رسانی، شرکت‌های هواپیمایی و کشتی‌رانی) باید به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی صورت بگیرد.

البته در بند «د» نیز ذیل سیاست‌های کلی واگذاری و الزامات مربوط به واگذاری، بر رعایت سیاست‌های کلی بخش تعاونی در واگذاری‌ها تأکید ویژه دارد که این می‌تواند به معنای خط قرمز در فعالیت‌های تعاونی‌ها و واگذاری‌ها قلمداد شود.

۳.۲. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵

همان‌طور که می‌دانیم در اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون‌گذار تجارت را جزء فعالیت‌های بخش خصوصی دانسته و گویا درحالی که در مقام بیان بوده، به‌عمد آن را از فعالیت تعاونی‌ها استثنا و وارد بخش خصوصی کرده است. از اینجا آنچه رخ داده به این شرح است که قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به نظر می‌رسد به‌نوعی فعالیت‌های در انحصار دولت را که قانون اساسی برای دولت لحاظ کرده است، تخصیص می‌زند. در بند «ب» این قانون آمده، دولت مکلف است ۸۰ درصد از ارزش مجموعه سهام بنگاه‌های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده ۲ این قانون به‌استثنای راه و راه‌آهن را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

با نگاهی موشکافانه می‌بینیم از آنجا که فعالیت‌هایی همچون، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، هواپیمایی، کشتی‌رانی، پست، تأمین نیرو (آب، برق، گاز) و شبکه‌های بزرگ آبرسانی در قانون اساسی جزء فعالیت‌های دولت آمده است و از طرفی باتوجه به اینکه این فعالیت‌ها تجاری شمرده می‌شوند، با جواز انتقال این قبیل کارها به شرکت‌های تعاونی و خصوصی، می‌توان ملاک قرار داد که شرکت‌های تعاونی توانایی انجام فعالیت‌های تجاری را دارند. در تبصره ۱ از بند «ب» ماده ۳ همین قانون آمده، دولت مجاز است به هر دلیل و مصلحتی فقط تا ۲۰ درصد ارزش این فعالیت‌ها

۱. در خصوص فعالیت‌هایی همچون ارائه خدمات پستی، اداره تأسیسات مربوط به آبرسانی، گازرسانی و برق‌رسانی، اگرچه در تجاری بودن این اعمال شکی نداریم، ولی از آنجایی که به‌عنوان یکی از فعالیت‌های موضوع ماده ۲ قانون تجارت فعلی نیامده، شایان توضیح است که در لایحه جدید قانون تجارت که در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده، به‌عنوان یکی از فعالیت‌های خدماتی در بند هشتم ماده یک در زمره فعالیت‌های تجاری تصریح شده است. هرچند این لایحه هنوز به تأیید شورای نگهبان نرسیده و به شکل قانون لازم‌الاجرا درنیامده است.

سرمایه‌گذاری کند و در تبصره ۲ همان ماده چنین آمده است: بخش‌های غیردولتی مجاز به فعالیت در زمینه راه و راه‌آهن هستند؛ با این قید که سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های راه و راه‌آهن مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد مشترک وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خواهد رسید. در تبصره ۳ بند «ب» ماده ۳ آمده، دولت مکلف است در حد مقابله با بحران، نسبت به تأمین کالاهای اساسی مانند گندم و سوخت برای مدت معین تمهیدات لازم را ببندد.

پس فعالیت‌های گروه دوم بیشتر و اغلب برای بخش غیردولتی است و نقش دولت را تا آنجا که توانسته، استثنایی و محدود به موارد خاص و اندک نموده است. اما گروه سوم<sup>۱</sup> همان‌طور که گفته شد، در انحصار دولت است و فعالیت‌هایی همچون بازرگانی خارجی، بانکداری (به‌غیر از استثناهای گروه سوم که در بند ۶ آمده است؛ یعنی بانک مرکزی، بانک ملی، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک توسعه صادرات، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه تعاون)، بیمه (به‌غیر از بیمه مرکزی و شرکت بیمه ایران)، پست و تلگراف و تلفن (به‌غیر از شبکه‌های مادر مخابرات و امور واگذاری بسامد (فرکانس))، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه و راه‌آهن (منوط به شرایط آیین‌نامه)، سدها و شبکه‌های آبرسانی که پیش‌تر طبق قانون اساسی در صلاحیت دولت بود، اکنون با تخصیص قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ باید این فعالیت‌ها به بخش غیردولتی واگذار شود و با این واگذاری، شرکت‌های تعاونی می‌توانند به فعالیت‌های تجارتي اقدام نمایند. همان‌طور که می‌دانیم فعالیت‌های نام‌برده، چه مطابق با عرف تجاری و چه در قالب ماده ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ش و ماده یک لایحه مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۶ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی که البته هنوز به تأیید

۱. فعالیت‌های گروه سوم که در انحصار دولت است عبارت‌اند از:

۱. شبکه‌های مادر مخابرات و امور واگذاری بسامد (فرکانس)؛ ۲. شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی؛ ۳. تولیدات محرمانه یا ضروری نظامی، انتظامی، امنیتی به تشخیص فرماندهی کل نیروهای مسلح؛ ۴. شرکت ملی نفت ایران و شرکت استخراج و تولید نفت خام و گاز؛ ۵. معادن نفت و گاز؛ ۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک توسعه صادرات، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه تعاون؛ ۷. بیمه مرکزی و شرکت بیمه ایران؛ ۸. شبکه‌های اصلی انتقال برق؛ ۹. سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۰. سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی؛ ۱۱. رادیو و تلویزیون (فعالیت‌های این دسته در انحصار دولت است، اما با شرایطی و مقید به حفظ مالکیت دولت و رعایت آیین‌نامه مربوطه می‌تواند به بخش غیردولتی نیز واگذار شود).

شورای نگهبان نرسیده است، اعمال تجارتي شمرده می‌شوند (این لایحه در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۳ مجلس مطرح، و با اجرای آزمایشی آن به مدت ۵ سال موافقت شد و همچنان در انتظار تأیید شورای محترم نگهبان است).

فصل سوم همین قانون نیز با عنوان سیاست‌های توسعه بخش تعاون نشان از نگاه ویژه و حمایتی قانون‌گذار به بخش تعاونی دارد که در تفسیر عملکرد تعاونی‌ها بسیار می‌تواند مفید باشد و ملاک قرار گیرد.

فصل نهم (تسهیل رقابت و منع انحصار) نیز به نظر می‌رسد اگرچه نگاه قانون‌گذار نسبت به تعاونی‌ها نگاه حمایتی و ویژه‌ای است، اما نگاه تجاری به آن‌ها را رها نکرده است و لازم می‌داند که تعاونی‌ها از اصول تجاری همانند دیگر شرکت‌های تجاری پیروی کنند؛ چنان‌که از مواد ۴۳ تا ۸۴ را به موارد نقض رقابت، وضع نهادی به نام شورای رقابت، جرائم و مجازات حاکم بر نقض موارد مشروح اختصاص داده است.

۲. ۴. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

در این سند، رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ق.ا و الزامات مربوط به هریک از بندها و ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی با هدف تولید و توسعه سرمایه‌گذاری در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن شرایط رقابتی و بازدهی مناسب اقتصادی و گسترش عدالت اجتماعی با اقدامات لازم برای جبران عقب‌ماندگی‌های حاصل از دوران تاریخی گذشته با تأکید بر توسعه بخش تعاون با هدف توانمندسازی اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه به نحوی که تا پایان برنامه پنجم سهم تعاون به ۲۵ درصد برسد، در نظر گرفته شده است.

۲. ۵. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵

در موادی از جمله بند «ب» ماده ۱۷ و بند «ج» ماده ۴۶ و نیز ماده ۸۴، اگرچه سراسر

صحت از حمایت و اعطای تسهیلات چه در امر تولید و توسعه و چه در امر صادرات به بخش غیردولتی از جمله تعاونی‌هاست، نباید از جواز و بدهت امکان انجام صادرات و خدمات پستی و دفاتر خدمات<sup>۱</sup> از سوی تعاونی‌ها که به موجب قانون تجارت یک فعالیت تجارتي است، به سادگی گذر کرد و همین که ذیل مبحث بیمه‌های بازرگانی در ماده ۱۱۳ جواز انجام فعالیت بیمه تجاری به بخش غیردولتی و از جمله تعاونی‌ها صادر شده است، می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ فعالیت تعاونی‌ها باشد. در بند «الف» ماده ۱۲۴ هم شاهد تأکیدی دوباره در جواز انجام فعالیت‌های بانکی از سوی تعاونی‌ها تا رسیدن به سهم ۱۵ درصد تا پایان سال چهارم برنامه پنجم از بازار پولی کشور هستیم.<sup>۲</sup>

اجازه سرمایه‌گذاری، مالکیت، مدیریت، بهره‌برداری از شبکه‌های بزرگ برق‌رسانی و آبرسانی، امور حمل و نقل هواپیمایی کشور و نیز حمل و نقل ریلی و راه‌آهن به ترتیب در دو بند «ج» و «د» ماده ۱۳۳، بند «ب» ماده ۱۴۲ و بند «ج» ماده ۱۶۱ و ماده ۱۶۴ به تشریح، برای بخش غیردولتی و از جمله تعاونی‌ها صادر شده که خود گواه بر جواز تصدی فعالیت‌های تجارتي تعاونی‌هاست.<sup>۳</sup>

۱. پیرامون فعالیت و تصدی دفاتر پستی و پیشخوان خدمات دولت، اگرچه در تجاری بودن این اعمال شکی نداریم، ولی از آنجایی که به‌عنوان یکی از فعالیت‌های موضوع ماده ۲ قانون تجارت فعلی نیامده، شایان توضیح است که در لایحه جدید قانون تجارت (۱۳۹۰ش) به‌طور صریح به‌عنوان یکی از فعالیت‌های خدماتی در بند هشتم ماده یک، فعالیت تجارتي قلمداد شده است.
۲. همان‌طور که می‌دانیم ماده ۲ قانون تجارت تمامی فعالیت‌های تجاری را نیآورده است و پرواضح است که فعالیت‌های پیش‌گفته و همچنین فعالیت‌های مربوط به هواپیمایی و امکان تصدی تأسیس هواپیمایی و امور حمل‌ونقل ریلی امروزه در دنیای کنونی از فعالیت‌های تجاری است که این قانون چنین مجوزی را به بخش‌های خصوصی و تعاونی داده است. گفتنی است که نیاز به وضع شکل بهتر و ارائه یک تعریف از فعالیت‌های تجاری در قانون جدید تجارت که در حال حاضر به صورت لایحه همچنان در انتظار تأیید شورای نگهبان می‌باشد، کاملاً محسوس است. به‌نظر می‌رسد در لایحه جدید به‌جای آنکه تعریف و مفهوم مطرح شود، به عناوین و مصادیق بسیار از فعالیت‌های تجاری پرداخته شده است که این امر با پیشرفت روز به روز علم و فناوری، نمی‌تواند چندان راهگشا باشد.
۳. اگرچه ما نمی‌توانیم به لایحه‌ای که هنوز اجرایی نشده است، استناد کنیم، ولی صرفاً برای آگاهی مخاطبان عزیز باید گفت که لایحه مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۶ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، اداره تأسیسات مربوط به آبرسانی یا گازرسانی و یا برق‌رسانی را ذیل فعالیت‌های خدماتی در بند هشتم، یک فعالیت تجارتي معرفی کرده است. اگرچه بنابر یک نظر می‌توانیم چنین فعالیت‌هایی نظیر پست یا تأسیسات آبرسانی، برق‌رسانی و گازرسانی را مصادیقی از بندهای ۳ و ۴ ماده ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ش بدانیم، اما تصریح لایحه جدید جای هیچ شک و شبهه‌ای را در تجارتي تلقی کردن این فعالیت‌ها باقی نمی‌گذارد.

۲.۶. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای

اسلامی

در ماده ۱۰۱ این قانون اجازه داده شده است برای بهبود شرایط حمل و نقل شهری و کاستن از آلودگی هوای شهرها با مشارکت شهرداری‌ها، مؤسسات اتوبوس‌رانی شهری به صورت شرکت‌های تعاونی و خصوصی تأسیس شود و این مؤسسات از نظر رفت و آمد و دیگر مقررات، از تسهیلات و امتیازات شرکت‌ها و سازمان‌های اتوبوس‌رانی موجود استفاده کنند.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، فعالیت‌های حمل و نقلی خود مصداقی از فعالیت‌های تجاری است که در این قانون نیز نمونه‌ای از میل و اراده باطنی قانون‌گذار ایرانی را در تجویز امکان انجام فعالیت‌های تجاری از سوی تعاونی‌ها می‌بینیم.

۲.۷. سند توسعه بخش تعاون موضوع بند «الف» ماده ۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل

۴۴ قانون اساسی (تصویب‌نامه شماره ۲۳۶۰۹/ت/۴۶۱۱۶ هـ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸ هیئت وزیران)

این سند رساندن سهم تعاونی‌های سهامی عام از سرمایه‌گذاری جدید شرکت‌های بورس تا ۵۰ درصد، و سهم تعاونی‌های سهامی عام از بازار بانکداری و بیمه در سال پایانی (تجمعی) تا ۲۵ درصد؛ گسترش تجارت الکترونیک در بخش تعاون؛ تسهیل دسترسی تعاونی‌ها و اتحادیه‌های بازرگانی تعاونی‌ها به قراردادهای خارجی و صادرات کالا و خدمات؛ توسعه فعالیت حمل و نقل بار (کالا) از سوی تعاونی‌ها اعم از جاده‌ای، راه‌آهن و دریایی؛ تقدم دادن به تعاونی‌های متقاضی واجد شرایط برای تأسیس بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری تعاونی سهامی عام و تسهیل صدور مجوز تأسیس و فعالیت شبکه تعاونی‌های اعتبار قرض‌الحسنه و اتحادیه‌های اعتباری تعاونی‌ها تا تحقق سهم ۱۵ درصد از بازار پولی تا سال چهارم و حداقل ۲۵ درصد از بازار پولی تا پایان برنامه پنجم؛ حمایت از ایجاد و گسترش شهرک‌ها و مجتمع‌های کارگاهی، اداری، تجاری و مسکونی تعاونی؛ و کمک به اجرای سیاست‌های رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه و حذف و اصلاح مقررات محدودکننده حضور تعاونی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و تسهیل صدور مجوزهای فعالیت‌های تعاونی‌ها و اولویت دادن به آن‌ها به‌نحوی که جبران عقب‌ماندگی بخش تعاونی



بشود، به‌ویژه در عرصه بانكداری، بیمه و سایر فعالیت‌های بزرگ موضوع صدر اصل (۴۴) قانون اساسی؛ تسهیل صدور مجوز برای تأسیس شرکت‌های بیمه تعاونی و حضور تعاونی‌ها در بیمه‌های بازرگانی؛ فراهم کردن امکان انتشار اوراق مشارکت از سوی تعاونی‌ها؛ تسهیل معاملات سهام تعاونی‌های متعارف در بازار فرابورس مستقل و شفاف‌سازی این معاملات؛ کمک به تأسیس و گسترش شرکت‌های تأمین سرمایه تعاونی‌ها، لیزینگ‌های صنعتی، بانك‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات بیمه اعتباری و بیمه سرمایه‌گذاری برای تشکیل و توسعه تعاونی‌ها را مد نظر قرار داده است.

در پایان به نهادهای ذی‌ربط تکلیف می‌کند و برای مثال این‌گونه مقرر می‌دارد:  
بانك مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بیمه مرکزی ایران موظفانند در صدور مجوزها به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که تا پایان سال چهارم برنامه پنجم توسعه ۱۵ درصد و تا پایان برنامه یادشده حداقل ۲۵ درصد ارزش افزوده بانكداری و بیمه به تفکیک به بخش تعاونی تعلق گیرد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مسئولیت نظارت بر حسن اجرای این سند را برعهده داشته و نیز موظف است امکان حضور تعاونی‌های سهامی عام در ساختار و بازار اصلی بورس را با رعایت مقررات مربوط فراهم سازد. همچنین موظف است گزارش عملکرد سالانه آن را به رئیس‌جمهور ارائه، و برای طرح در هیئت دولت ارسال نماید.

### ۳. رویکردهای اتحادیه بین‌المللی تعاون (International Co-operative alliance)

ICA از معدود سازمان‌های بین‌المللی است که در هر دو جنگ جهانی اول و دوم دوام آورد. در آغاز امر غلبه بر اختلافات سیاسی میان اعضای آن بسیار دشوار بود، اما به‌واسطه تعهد این اتحادیه به صلح، دموکراسی و اصل بی‌طرفی سیاسی و مذهبی، توانست بر اختلافات غلبه کند (<http://ica.coop/alliance/history> of the ICA). در این فصل برآنیم تا با نگاهی دقیق به فعالیت‌ها و روند تکاملی این سازمان به‌عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین مرجع بین‌المللی در امر تعاونی‌ها، به رویکرد این اتحادیه و نهادهای زیرمجموعه‌اش در ممکن یا ناممکن بودن انجام فعالیت‌های تجاری از سوی تعاونی‌ها پی ببریم.

«اتحادیه بین‌المللی تعاون» در ۱۸ آگوست ۱۸۹۵ برابر ۱۲۷۴ شمسی در لندن شکل گرفت. این اتحادیه یکی از نهادهای رسمی، مستقل و غیردولتی سازمان ملل

متحد بوده و نماینده و ارائه‌دهنده خدمات به تعاونی‌ها در سراسر جهان است ([ICAhttp://ica.coop/home/THE](http://ica.coop/home/THE)).

اهداف اصلی ICA را ارتقا و تقویت تعاونی‌های مستقل، تسهیل روند توسعه اقتصادی و اجتماعی اعضا در سراسر دنیا (<http://ica.coop/Media/News2012>)، ترویج و حفاظت از ارزش‌ها و اصول تعاونی، تسهیل و توسعه روابط سودمند دو طرفه اقتصادی میان سازمان‌های عضو، ترویج و توسعه پایدار انسانی و پیشبرد پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی مردم و در نتیجه، کمک به صلح و امنیت جهانی، ارتقای برابری میان مردان و زنان در تمام تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها در جنبش تعاونی (<http://ica.coop/The>) می‌توان برشمرد.<sup>۱</sup>

سال ۲۰۱۲ منشأ تحولات بسیاری چه در نگرش اتحادیه بین‌المللی تعاون به‌طور خاص و چه در رویه تعاونی‌ها در مفهوم وسیعش بوده است. بان کی مون (Ban Ki-moon)، دبیر کل سازمان ملل متحد، سال ۲۰۱۲ را به‌عنوان سال بین‌المللی تعاون نام نهاد و شعار این سال بین‌المللی چنین بود: «تعاونی‌ها دنیای بهتری را می‌سازند». وی همچنین بیان داشت، تعاونی‌ها در جامعه بین‌المللی یادآور آن‌اند که حصول قابلیت‌های اقتصادی و عمل کردن به مسئولیت‌های اجتماعی توأمان شدنی است (<http://ica.coop/en/Media/News/un-calls-co-op-youth-statement-support>). مدیران اتحادیه بین‌المللی تعاون بر این باورند که به‌دنبال این عزم جهانی و نام‌گذاری سال تعاونی‌ها از سوی سازمان ملل متحد، در هر بخشی که بتوان تجارتي را از طریق تعاونی‌ها ایجاد کرد، باید راه ورود آن تجارت بر روی تعاونی‌ها باز باشد و بر این نکته تأکید می‌ورزند که این مدل تجاری تا سال ۲۰۲۰م پسرعت‌ترین مدل اقتصادی دنیا

۱. آمار و ارقامی که جنبش تعاونی با خود به ارمغان می‌آورد، بیش از یک میلیارد نفر در سراسر جهان است. اتحادیه بین‌المللی تعاون نشان‌دهنده نزدیک به یک میلیارد عضو فردی است. برابر آخرین آمارگیری به تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۱۳ که در سایت اتحادیه بین‌الملل تعاون به نمایش گذاشته شده است، از ۲۷۲ عضو ICA از ۹۴ کشور، در امریکا بیش از ۲۲۵ میلیون عضو (حقیقی) و نزدیک به ۳۰۰۰ تعاونی وجود دارد. امریکا بیشترین تعداد اعضا را به‌طور غیرمستقیم در عضویت ICA دارد. دومین کشوری که دارای بیشترین تعداد عضو در تعاونی‌هاست، کشور هند با حدود ۹۳ میلیون و ۷۰۰ هزار عضو حقیقی می‌باشد و پس از آن کشور ژاپن با بیش از ۷۷ میلیون عضو فردی در جایگاه سوم قرار دارد. نکته جالب اینکه کشور ایران با حدود ۳۶ میلیون و ۹۰۰ هزار عضو فردی، چهارمین کشور از نظر بیشترین تعداد عضو در تعاونی‌هاست.

۲. در پی نام‌گذاری سال ۲۰۱۲ به‌عنوان سال تعاونی‌ها از سوی سازمان ملل متحد، نگاه جهانی به تعاونی‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت که در رویه و سیر فکری پشتوانه آن‌ها تأثیرات شایان توجهی را رقم زد.

خواهد بود. به دنبال نام‌گذاری سال ۲۰۱۲م به سال بین‌المللی تعاون، اتحادیه بین‌المللی تعاون از طرح خود در خصوص هدایت تعاونی‌ها به سوی رشد بیشتر پرده برداشت. در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۲ در منچستر انگلستان و در خلال نمایشگاه بین‌المللی تعاون، اتحادیه بین‌المللی تعاون استراتژی ترقی‌خواهانه‌ای را طراحی نمود که به موجب آن تعاونی‌ها تا انتهای دهه تعاون (از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰م) به سریع‌ترین مدل تجاری در جهان تبدیل خواهند شد.

خانم گرین (Dame Pauline Green)، رئیس اتحادیه بین‌المللی تعاون، در این نمایشگاه گفت: «ما در پی آنیم تا تعاونی‌ها تا سال ۲۰۲۰ به‌عنوان سریع‌ترین مدل تجاری در جهان شناخته شوند. امروز نقطه عطفی در تاریخ تعاون بود. اکنون زمان آن فرا رسیده تا مدل تجاری خود را در اقصی نقاط دنیا تقویت نماییم» (<http://ica.coop/en/media/news>). بر اساس این طرح، تعاونی‌ها تا سال ۲۰۲۰م رهبری بین‌المللی را در زمینه‌های تجارت و اقتصاد از منظر پایداری، اجتماعی و محیط زیست در دست خواهند گرفت که مدل ترجیح داده شده از سوی مردم در قیاس با دیگر مدل‌های تجاری قرار می‌گیرد ([http://ica.coop/home/FASTEST growing business model](http://ica.coop/home/FASTEST_growing_business_model)). برای عملیاتی کردن این رؤیا موضوعات مهمی مطرح شده است (<http://ica.coop/en/media/news/2020-vision-outlines-opportunity-co-operatives-grow>) که از جمله آن‌ها، افزایش میزان عضویت در اتحادیه بین‌المللی تعاون تا رسیدن به یک حد معین؛ معرفی تعاونی‌ها به‌عنوان سازندگان پایداری؛ معرفی پیام تعاون و امنیت دادن به هویت تعاونی؛ تضمین چارچوب قانونی برای رشد تعاونی‌ها؛ تضمین سرمایه قابل اتکای تعاونی در عین ضمانت کنترل اعضاست. بنابراین هدف این طرح، داشتن برنامه‌ای برای دهه تعاون و آگاه کردن مردم از این مدل تجاری، ایجاد ابزار لازم برای تأسیس تعاونی‌ها از سوی مردم، توسعه تعاونی‌های پایدار و رفع موانع در سر راه تعاونی‌هاست ([www.icccoop.ir](http://www.icccoop.ir)).

از نگرش و تکاپوی ICA به آوردن تعاونی‌ها به صورت هم‌عرض و در کنار مدل‌های تجاری دیگر<sup>۱</sup> و تفاهم‌نامه‌های تجاری میان تعاونی‌های کشورهای مختلف (از جمله

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. خبرنامه الکترونیکی اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA) ژانویه ۲۰۱۳ ([www.icccoop.ir](http://www.icccoop.ir)).

تفاهم‌نامه منعقدشده<sup>۱</sup> میان کشورهای افریقای جنوبی، چین و هند) و معرفی یکی از اهداف آینده و استراتژیک این اتحادیه در سند استراتژیک و راهبردی خود با محتوای افزایش تأثیر جهانی به سوی ترویج و معرفی تعاونی‌ها به‌عنوان یک مدل تجاری ویژه ارزش‌بنیاد تا بازتاب‌های چنین نگرش‌هایی در نشست‌هایی از جمله نشست سران تعاونی‌های کشورهای بخش آسیایی و اقیانوسیه<sup>۲</sup> (www.icccoop.ir)، کنفرانس اتریش<sup>۳</sup>، انجمن جوانان تعاونگر در حوزه آسیا و اقیانوسیه و ششمین نشست کمیته جوانان بخش منطقه‌ای ICA-A<sup>۴</sup> که بر اهدافی چون توسعه مدل تجاری تعاونی و گسترش همکاری تجاری تعاونی‌ها (www.icccoop.ir/گزارش نشست سران تعاونی‌های کشورهای آسیا و اقیانوسیه در شهر کونمینگ چین) در ترویج تجارت تعاونی از طریق تجارت منصفانه و تجارت بین تعاونی از جمله از طریق اینترنت تأکید دارند؛ از دیگر تحولات جهانی در عرصه تعاونی‌ها می‌تواند قلمداد شود.<sup>۵</sup>

### نتیجه

امکان انجام فعالیت‌های تجاری در قالب شرکت تعاونی را از دو دیدگاه متفاوت و البته

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. خبرنامه الکترونیکی اتحادیه بین‌المللی تعاون، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳ (www.icccoop.ir).

۲. در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۲ برابر با ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۹۱ در شهر کونمینگ چین.

۳. ۱۸ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۲.

۴. هند - شهر بولدانا ۲۰۱۳ م.

۵. از دیگر نکات قابل توجه در چنین نشست‌هایی می‌توان به تقابل وضعیت تعاونی‌های کشورهای در نشست نمایندگان کشورهای آسیایی و اقیانوسیه اشاره کرد. برای مثال در حالی که نماینده کشور مغولستان در معرفی تعاونی‌های این کشور آن‌ها را تعاونی‌های غیرانتفاعی محض معرفی می‌کند، از طرف دیگر، نماینده ویتنام به معرفی موضوعات فعالیت تعاونی‌ها می‌پردازد و با صراحت تمام از انجام فعالیت‌هایی نظیر تجارت، صنعت، و حمل و نقل سخن می‌گوید که این خود نشان از وضعیت مبهم و چندگونه نظام‌های حقوقی دنیا نسبت به فعالیت‌های تعاونی‌ها دارد؛ یا اینکه با نگاه به وضعیت تعاونی‌های کشور اتریش به‌عنوان نماینده کنفرانس اتریش درمی‌یابیم که تعاونی‌های این کشور نیز تحت نظر اتاق بازرگانی جمهوری اتریش فعالیت می‌کنند. همین‌طور وقتی در فهرست سخنرانان انجمن جوانان تعاونگر در حوزه آسیا و اقیانوسیه و ششمین نشست کمیته جوانان بخش منطقه‌ای ICA-Ap می‌نگریم، با یکی از شخصیت‌های برجسته کشور هند در امر تعاونی‌ها برمی‌خوریم؛ خانم پراتیبها شارما. در بیوگرافی او آمده است که در ژانویه ۲۰۱۳ به تعاونی بیواچ پیوست که اهم فعالیت‌های وی در این تعاونی، توسعه تجارت این تعاونی معرفی شده است. اگرچه نمی‌توانیم فعالیت و یا رویکرد این تعاونی هند را به تعاونی‌ها و نظام حقوقی هند تعمیم دهیم، ولی وجود چنین امری بسیار جای تأمل دارد و البته وقتی به شرکت‌های تعاونی که عضو اتحادیه بین‌الملل تعاون هستند نگاهی می‌اندازیم، می‌بینیم که بسیاری از این شرکت‌ها موضوع و حتی عنوانشان یک فعالیت تجاری است. این موضوع می‌تواند دلیلی بر مهر تأیید اتحادیه بین‌الملل بر فعالیت آن‌ها باشد.

همسو بررسی کردیم. یک نگاه در خصوص ایران و به‌دنبال آن قوانین و سیاست‌ها و دستورالعمل‌هایی از جمله قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری و به‌تبع آن قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه، قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، رویه‌های عملی نهادهای مرجع در امر تعاونی همچون اتاق تعاون و ... همه و همه با اشاره‌ها و نکات برجسته‌ای که در متن به تفصیل در خصوص آن سخن گفتیم، حکایت از صدور جواز به انجام فعالیت‌های تجارتي در قالب تعاونی‌ها دارد. تا پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تعاونی‌های کشور در قالب مدل‌های سنتی اداره می‌شد و به لحاظ تأمین مالی دارای روش‌ها، نهادها و انعطاف‌پذیری لازم نبود و روش و روند تأمین مالی تعاونی‌ها بیانگر آن بود که رسیدن به ۲۵ درصد از اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم توسعه میسر نخواهد شد. با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و دیگر برنامه‌ها و قوانین نام‌برده، تغییر بنیادی در مدل سازمانی تعاونی و روش‌های تأمین مالی تعاونی‌ها مطرح شد و بسیاری از محدودیت‌های قانونی در تأمین مالی تعاونی‌ها مرتفع و تعاونی‌ها مجاز به حضور در تمامی عرصه‌ها از جمله بانکداری و بیمه شدند که به‌یقین می‌دانیم فعالیت‌های بانکی و بیمه جزء فعالیت‌های تجاری هستند.

در بعد بین‌المللی به واکاوی رویکردهای اتحادیه بین‌المللی تعاون به‌عنوان مهم‌ترین مرجع از نظر حمایتی و نظارتی و به‌عنوان حلقه ارتباطی تعاونی‌ها در عرصه بین‌المللی پرداختیم. نتیجه آنکه با الهام از اقدامات و سیاست‌های اتحادیه بین‌المللی تعاون، درمی‌یابیم که فعالیت‌های تجارتي از سوی تعاونی‌ها در یک چارچوب معین قابلیت انجام دارد؛ اگرچه همچنان از نظر برخی صاحب‌نظران و یا قوانین بعضی کشورها از جمله کشورهای امریکای لاتین، فعالیت‌های تجارتي کاملاً نقطه مقابل فعالیت تعاونی‌هاست و این کشورها جواز چنین اقدامی را از تعاونی‌ها سلب کرده‌اند. به‌طور حتم تعاونی‌ها بنا بر بر اقتضای ماهیت خود نمی‌توانند به میزان شرکت‌های تجاری سرمایه‌محور دست به چنین اقداماتی بزنند و ما فعالیت آنان را تا جایی صحیح می‌دانیم که باعث انحراف تعاونی از مسیر اصلی خودش نشده، به عبارت بهتر به یک شرکت پول‌ساز صرف تبدیل نشود. البته در بعد داخلی، قانون‌گذار اهرم‌های نظارتی و اجرایی همچون وزارت تعاون را برای جلوگیری از سوء استفاده از نام و عنوان تعاونی در قوانینی از جمله ماده ۶۶ قانون

بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران یا ماده ۶۶۶ لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۶ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی که هنوز به تأیید شورای محترم نگهبان نرسیده است پیش‌بینی کرده است. در بعد بین‌المللی هم مطابق نص صریح ماده ۴ اساسنامه اتحادیه بین‌المللی تعاون، فعالیت‌های این سازمان باید صرفاً برای رفع نیاز و دستیابی به اهداف و آرمان‌های خویش و ارتقای بخش تعاون باشد و «نه فقط برای سود». امروزه بخش عمده‌ای از تعاونی‌های در حال رشد دنیا دیگر در قالب مدل‌های سنتی تأمین مالی باقی نمانده و حتی به مدل‌های جدید سازمانی در قالب تعاونی‌های «عضو- سرمایه‌گذار»، تعاونی‌های «نسل جدید (NGC)» و تعاونی‌های «سهامی- سرمایه‌گذار» روی آورده‌اند. تنها در این راه باید احتیاط کرد که مفهوم اقتصادی کردن تعاونی‌ها با پول‌سازی آن‌ها خلط نشود. در خصوص تعاونی‌ها آنچه که بیشتر از هر چیزی محل اشتباه قرار می‌گیرد، این است که فلسفه غیرانتفاع‌مداری اغلب با رویکرد غیرانتفاعی اشتباه می‌شود. شاید بتوان گفت تفاوت عمده‌ای که میان شرکت‌های تجاری و تعاونی وجود دارد این است که انگیزه اصلی فعالیت‌های اقتصادی در شرکت‌های تجاری، کسب سود بیشتر است؛ ولی در یک شرکت تعاونی، انگیزه‌های سودآوری در پاسخگو بودن شرکت در قبال اعضا و برآوردن نیازهای آن‌ها منعکس می‌شود.

پیشنهاد و توقع به حقی که می‌توان داشت این است که سند راهبردی سازمان بین‌المللی کار و نیز توصیه‌نامه ۱۹۳ این سازمان که در سال ۲۰۰۲م به تصویب رسید، به‌عنوان یک قانون نمونه مناسب می‌تواند برای کشورها در عرصه قانون‌نویسی پیرامون تعاونی‌ها بسیار راهگشا باشد.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

#### - کتاب‌ها

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۰)، حقوق تجارت، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
۲. اینیاس پولت و پاتریک دوولتر (۱۳۸۹)، همگامی تعاونی‌ها با همکاری‌های توسعه، ترجمه سارا رضی،

- تهران، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران، وزارت تعاون، کار و رفاه امور اجتماعی.
۳. اعظمی زنگنه، عبدالحمید (۱۳۵۱)، حقوق بازرگانی، چاپ چهارم، تهران.
  ۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵)، ترمینولوژی حقوق، چاپ ۱۶، تهران، گنج دانش.
  ۵. حسینی، حسن (۱۳۸۱)، حقوق تعاونی‌ها، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب (سمت).
  ۶. حسینی، سید شمس‌الدین و سوری، امیررضا (۱۳۹۲)، راهبردهای تأمین مالی تعاونی‌ها در ایران با استفاده از تجارب جهانی، تهران، انتشارات پایور.
  ۷. خزاعی، حسین (۱۳۸۸)، مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه.
  ۸. خنیفر، حسین و حسینی فرد، سید مجتبی (۱۳۹۲)، مدیریت تعاونی‌ها، تهران، انتشارات توسعه سبز.
  ۹. دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائی، محسن (۱۳۸۴)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میثاق عدالت.
  ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۵، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
  ۱۱. دیگری مارگارت (۱۳۴۸)، «نهضت جهانی تعاون»، تهران، چاپخانه کیهان.
  ۱۲. دراهیم، گئورگ (۱۳۴۹)، اقتصادی کردن واحدهای تعاونی، جلد اول، ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، تهران، نشریه ش ۵۰، سازمان مرکزی تعاون کشور.
  ۱۳. سازمان مرکزی تعاون کشور (۱۳۴۷)، شرکت تعاونی؛ وضع فعلی و آینده آنها، جلد اول، سازمان مرکزی تعاون کشور، جلد دوم (۱۳۴۸).
  ۱۴. سازمان مرکزی تعاون کشور (۱۳۴۸)، گزارشی درباره اصول تعاون، گزارش کمیسیون خاص اتحادیه بین‌المللی تعاون درباره اصول تعاون، اتحادیه بین‌المللی تعاون.
  ۱۵. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۵)، حقوق تجارت، جلد ۱، تهران، نشر دادگستر.
  ۱۶. سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۷۸)، حقوق تجارت، جلد ۱، تهران، نشر میزان.
  ۱۷. شکبیا مقدم، محمد (۱۳۸۶)، مدیریت تعاونی‌ها، چاپ دوم (ویرایش جدید)، تهران، انتشارات میر.
  ۱۸. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
  ۱۹. صوفیان، مهدی (گردآورنده) (۱۳۸۶)، کسب و کار در تعاونی‌ها، وزارت تعاون - معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج دفتر آموزش، تهران، انتشارات سبزان.
  ۲۰. طالب، مهدی (۱۳۸۲)، اصول و اندیشه‌های تعاونی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
  ۲۱. معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، تهران، مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- مقالات و نشریات
۲۱. دکتر انصاری (۱۳۶۴)، استاد دانشگاه تهران، سخنرانی در سمینار «بررسی جایگاه تعاون در نظام جمهوری اسلامی ایران».
  ۲۲. ساردویی نسب، محمد (۱۳۸۸)، نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران، مجله حقوق خصوصی، سال ششم، ش پانزدهم، ص ۱۶۲-۱۳۱.

۲۳. شیرزادی، حسینعلی (۱۳۷۹)، «تفاوت های اساسی تعاونی ها با شرکت های تجاری» فصلنامه اتحادیه سراسری تعاونی های مصرف کارکنان دولت (همیار)، سال دوم، ش ۸، ص ۱۵۵-۱۴۳.
۲۴. قوسی، غنی (۱۳۶۸)، «نهضت تعاون در کشورهای در حال رشد»، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز، دوره جدید، ش ۹، ص ۳۷-۴۰.
۲۵. گنجی، احمد، تعاونی ها و جهانی شدن (راهبردهای تعاونی ها در فرآیند جهانی شدن)، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز، ش ۲۴-۲۳، ص ۳۱۷-۳۲۸.
۲۶. مورو، ژاک (۱۳۸۰)، «بانک تعاون و رفع موانع بازار در فرانسه»، فصلنامه همیار، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۰۵-۱۰۲.
۲۷. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۹)، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی ها (مطالعه موردی تعاونی های استان قم)، نشریه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۲ (علمی پژوهشی)، ص ۸۲-۶۳.
۲۸. یودین، سامی و اسلامی آلیگارث (۱۳۸۱)، «تعاونی ها و دولتها: تجربه هندوستان»، فصلنامه همیار، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۴۴-۱۴۳.

#### ب) انگلیسی

29. November 29, 2002)Canadian Agricultural Co-ops Capitalization: Issues and Challenges: Strategies for the Future, Final Report, Corporate Finance,P.20
30. Chaddad, Fabio R. and Michael L. Cook (October 21, 2003 Kansas City, Missouri)."the Emergence of Non- Traditional Cooperative Structures:Public andPrivate Policy Issues",P.2
31. Chaddad, Fabio and Michael cook(fall,2004), "Understanding new Cooperative models: an ownership rights topology of co-operative models", R.Agr.Econ.:PP.348-360
32. Williamson, Lionel,(June 1987)"the Farmer's Cooperative Yardstick: Cooperative Refunds: Patronage and Revolving"
33. Zimbelman, Karen, "the Employee orientation Handbook on co-op History".

#### ج) سایت های معتبر

34. <http://etmkd.ir/job.ir>
35. [www.icccoop.ir](http://www.icccoop.ir)
36. [www.mcls.gov.ir](http://www.mcls.gov.ir)
37. [www.taavongar.ir](http://www.taavongar.ir)
38. <http://www.asianphilanthropy.org/Areas of Focus/South Asia/India/2014/8/10>
39. <http://Fa.wikipedia.org.2014/5/20>
40. <http://www.ica.coop/2014/7/25>